

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۵۱
۱۳ می ۲۰۱۵

سی و پنج سال گذشت، اما فجایع هنوز ادامه دارد

سی و پنج سال قبل از امروز لئونید برژنف این خرس قطب شمال که رؤیای رسیدن به آب های گرم هند (حوزه های نفتی خلیج فارس و ایجاد پایگاه های نظامی در اقیانوس هند) را در سر می پروراند تصمیم گرفت تا این خواب را عملی سازد. از نظر برژنف مناسب ترین وقت برای عملی نمودن این رؤیا زمانی بود که حفیظ الله امین بعد از قتل تره کی خود رأی، مستبد و به گفته بیرک کارمل «میر غضب» شده بود. به همین هدف قشون «سرخ» با ساز و برگ نظامی همراه با ۱۳۰ هزار عسکر تا دندان مسلح در ششم جدی ۱۳۵۸ در حالی که بیرک کارمل این سر دسته و ظن فروشان حزب منفور «دموکراتیک» را با خود داشتند، از مرز های کشور ما عبور نموده و با سرنگونی رژیم مستبد حفیظ الله امین قدرت سیاسی را با زور برچه روسی در اختیار کارمل قرار دادند.

سردمداران سوسیال امپریالیسم شوروی که افغانستان را من حیث پل عبوری تصور کرده بودند، با گذشت ۹ سال و ۵۰ روز از هجوم وحشیانه بدون دست یابی به رؤیای خیالی رسیدن به آب های گرم هند با سر افکنده و کشته شدن بیش از ۱۳ هزار عسکر، ده ها هزار زخمی و هزینه میلیارد ها دالر که نتیجه ای برای شوروی جز فروپاشی و تجزیه به ۱۵ کشور چیز دیگری در پی نداشت، به تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷ افغانستان را ترک گفت.

عواقب خونین این تجاوز بر مردم فقیر و زحمتکش ما تا زمان خروج روس ها، دو میلیون کشته و نزدیک به سه میلیون معیوب و معلول بود. وارد نمودن ضربات کشنده بر پیکر اقتصاد افغانستان به صدها میلیارد دالر رسید، بیش از ۵ میلیون افغان به خارج از کشور مهاجر گردیدند، میلیون ها طفل از درس و مکتب باز ماندند و بالاخره اقتصاد، فرهنگ و شیرازه افغانستان به کلی نابود و از هم فرو پاشید.

هنوز جای چکمه های خونین متجاوزان روسی از خاک پاک کشور زیبای ما محو نگردیده بود که شمارش معکوس سقوط دولت دست نشانده کرملین توسط تنظیم های جهادی با تشدید جنگ آغاز گردید و بعد از مدتی دولت نجیب سقوط کرد و دوره جدیدی از قتل و کشتار توده های درد دیده ما فرا رسید.

بد مستی های تنظیم های جهادی در فردای سقوط کابل، فجایع هولناکی را به همراه داشت که یادآوری از آن روزها، مو را به تن انسان راست می کند. در طول جنگهای داخلی سال های ۷۱ تا ۷۵ بیش از ۶۵ هزار انسان تنها در شهر کابل به شهادت رسیدند و هزاران انسان دیگر در این شهر معلول و معیوب گردیدند. در هر گوشه شهر کابل اجساد انسان هائی به زمین افتاده بود که امید زندگی بهتر را بعد از سقوط دولت نجیب در سر داشتند، اما با دریغ و درد که چنین نشد و رهبران جهادی به فرمان بادران شان، کابل را به شهر ارواح مبدل کردند. بیش از ۸۰ درصد شهر به کلی ویران شد و هر گوشه پایتخت ساحه نفوذ و پاتک یک رهبر جهادی بود. تا امروز هم آثار و علایم جنگ داخلی در کابل به وضوح

نمایان است؛ ساختمان ها، دیوارها و پایه های برق بسیاری در کابل دیده می شود که داغ هزاران مرمی را در خود دارند.

با آن که مرکز جنگ های خونین داخلی کابل بود، اما سایر شهرها و نقاط کشور نیز از گزند زهر تنظیم های جهادی در امان نماندند. این تنظیم های هفتگانه و هشتگانه چنان که در کابل به جان هم افتاده بودند، در سایر ولایات نیز در حال دریدن یک دیگر بودند. تماشای رقص مرده، بریدن پستان زنان، به آتش زدن انسان ها در کانتینرها، میخ کوبیدن به فرق انسان ها، قطع اعضای بدن، تماشای دسته جمعی زنان در هنگام ولادت، تجاوز بر ریش سفیدان، تجاوز گروهی بر زنان و کودکان نمونه ای از فجایع هولناک دوره جنگ های داخلی اند.

سر بر آوردن گروهکی به نام طالبان در اوج جنایات جهادی ها، برای مردمی که هر لحظه انتظار مرگ را می کشیدند، روزنه امیدی را ایجاد کرد، اما غافل از این که، این گروه جنایتکار و مزدور قرار است به دستور سازمان جاسوسی پاکستان نظام جدیدی از حکومت داری به نام «امارت اسلامی» را با وحشت و دهشت بر آنها تحمیل نمایند.

امارت اسلامی طالبان به بهانه تطبیق «شریعت اسلامی»، یکی از خشن ترین نظام های سیاسی دوره تاریخ پر از فراز و نشیب کشور ما را رقم زد. دست و پا بریدن ها، سر بریدن ها، بلست نمودن ریش مردان، قید نمودن زنان در چهار دیواری خانه ها، بستن مکاتب دخترانه، ادا کردن اجباری نماز بر مردم، به چهار میخ کشیدن آلات و اسباب موسیقی در چهارراهی ها از مشخصه های بارز این نظام منحوس بود. طالبان که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ به کمک مالی و تخنیکی استخبارات پاکستان مخصوصاً کمک مالی عربستان سعودی در بیشتر از ۹۰ درصد خاک افغانستان حکمرانی داشتند، به جنایات بسیاری دست زدند که از جمله می توان از قتل و کشتار هزاران توده زحمتکش در شهر مزار شریف و ولایت های بامیان و سرپل یادآوری نمود.

با وجود آن که عده ای خوش باور و از دنیا بی خیر، هجوم وحشیانه اشغالگران غربی زیر نام «جنگ علیه القاعده و طالبان» در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ را «فرصت طلایی» دانسته و «نوید» زندگی بهتر را به توده های زحمتکش و رنج دیده افغانستان دادند، اما خلاف ادعاهای آنان، صفحه جدیدی از جنایات فجیع و غیر انسانی در کشور خون و باروت ما باز شد.

از تجاوز وحشیانه غربی ها به سردمداری امریکای جنایتکار تاکنون همه روزه ده ها انسان زحمتکش و فقیر در افغانستان اشغالی از سوی طرف های «جنگ» زرگری و خود ساخته جاری کشته و زخمی می شوند. در آخرین گزارشی که از سوی سازمان ملل متحد به نشر رسیده، دیده می شود که تنها در یازده ماه ۲۰۱۴ بیش از ۹۶۲۹ غیر نظامی کشته و زخمی شده اند که نسبت به سال گذشته ۱۹ درصد افزایش را نشان می دهد.

ما در کشوری زندگی می کنیم که تنها در سال ۱۳۹۳ بیشتر از ۶۵ درصد بودجه آن از طریق «کمک» های بلاعوض، کمتر از ۳۴ درصد بودجه آن از عواید داخلی و یک درصد آن از قرضه ها تمویل می گردد. روزی نیست که خبر ناگوار و تکان دهنده در آن به نشر نرسد. نزدیک به دو میلیون کودک در این کشور به کارهای شاقه مصروف اند، یک میلیون و ششصد هزار انسان مبتلا به مواد مخدر اند. این کشور از «خیرات» «دوستان» بین المللی در صدر فاسدترین کشورهای جهان قرار دارد. تولید و قاچاق مواد مخدر یکی دیگر از معضله های بزرگ این کشور است و سالهاست که ریکارد بزرگترین تولید کننده تریاک را از آن خود نموده است. مردم افغانستان از جمله غمگین ترین مردمان جهان شناخته شده اند. بی قانونی بیداد می کند.

تاریخ خونین چهار دهه اخیر بیانگر آن است که بیشترین قربانیان این جنگ ها را توده های ستمدیده و زحمتکش ما تشکیل می دهند و این فجایع هولناک تا زمانی ادامه خواهند داشت که از یک طرف مشتکی جاسوس و وطنفروش بر

اریکه قدرت تکیه بزنند و از جانب دیگر منافع کشورهای طماع همسایه و سایر کشورهای امپریالیستی در افغانستان تأمین نگردد.